

## **Investigating the factors affecting the non-realization of intergenerational rights to revenues from oil sales**

**MohammadAli Karimi**

Member of Scientific Board, Accounting Group, PayamNoor University,  
Qazvin, Iran || Karimi\_mohammadali@yahoo.com

**Received: 2020/10/17 Accepted: 2020/11/20**

### **Abstract**

One of the most challenging issues for countries whose economies are heavily dependent on oil revenues and its derivatives is the optimal use and sale of these resources and the observance of intergenerational rights in oil-rich countries, including Iran. In fact, the observance of intergenerational rights emphasizes that the current generation, while meeting its own needs, should not harm the ability of the next generation to meet their needs, and that natural resources, which are the right of all present and future generations, should not be spent alone. Be the current generation. Therefore, in this article, according to the researches and their conclusion that during the years after the revolution, the bulk of oil sales have been spent on current expenditures, we intend to use library methods and collect and review economic statistics. From various sites such as the Central Bank, the Parliamentary Research Center and the Statistics Center to identify the factors affecting the non-observance of intergenerational rights and provide ways out.

**Keywords:** Intergenerational rights, Inflation, Government actions, Oil.

## بررسی عوامل مؤثر بر عدم تحقق حقوق بین نسلی عواید حاصل از فروش نفت

محمدعلی کریمی

عضو هیأت علمی گروه حسابداری دانشگاه پیام نور، قزوین، ایران

Karimi\_mohammadali@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۳۰

### چکیده

یکی از موضوعات چالش برانگیز برای کشورهای که اقتصاد آنها دارای وابستگی شدید به عایدات نفت و مشتقات آن می‌باشند استفاده بهینه از این منابع و فروش آن و رعایت حقوق بین نسلی در کشورهای نفت خیز از جمله ایران مطرح است. در واقع رعایت حقوق بین نسلی بر این موضوع تأکید دارد که نسل فعلی ضمن اینکه نیازهای خودش را برطرف می‌کند نباید صدمه‌ای به توانایی نسل آتی در تأمین نیازهای خود وارد کند و منابع طبیعی که حق همه نسل‌های فعلی و آتی می‌باشد نباید صرفاً صرف مخارج جاری نسل فعلی شود. بنابراین در این مقاله با توجه به پژوهش‌های انجام شده و نتیجه‌گیری آنها مبنی بر اینکه طی سالهای بعد از انقلاب، عمده فروش نفت صرف مخارج جاری گردیده است، در صدد هستیم تا با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و جمع‌آوری و بررسی آمارهای اقتصادی از سایت‌های مختلف مانند بانک مرکزی، مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز آمار، عوامل مؤثر بر عدم رعایت حقوق بین نسلی را شناسایی نموده و راه‌های برون رفت آن را ارائه نماییم.

**واژگان کلیدی:** حقوق بین نسلی، تورم، اقدامات دولت، نفت.

## ۱. مقدمه

نفت خام یکی از کالاهای استراتژیک جهان و به عنوان یکی از نهاده‌های مهم تولید هر کشور خصوصاً بعد از انقلاب صنعتی به شمار می‌رود و نیاز اصلی فرآیند رشد اقتصادی می‌باشد. ایران به عنوان یکی از کشورهای غنی دارنده منابع اولیه انرژی در جهان تلقی می‌شود، به طوری که از لحاظ ذخایر اثبات شده نفت خام مقام بین سوم و چهارم را در جهان دارا می‌باشد. همچنین از زمانی که درآمدهای ناشی از نفت در اقتصاد ایران سهم بالایی از تولید ناخالص داخلی و بودجه‌های سالیانه را به خود اختصاص داد، اقتصاد ایران به سوی یک اقتصاد تک محصولی سوق داده شد. لذا با توجه به نهاده اصلی بودن این منبع انرژی در فرآیند تولید و اقتصاد کشور و از سویی تجدید ناپذیر بودن آن، تردیدهای فراوانی در خصوص آینده رشد اقتصادی مطلوب وجود دارد. بدین لحاظ مباحث عدالت بین نسلی و تخصیص زمانی منابع انرژی تجدیدناپذیر در راستای رشد اقتصادی بلندمدت بسیار حائز اهمیت می‌باشند (اسدی و همکاران، ۱۳۹۵).

نفت به عنوان یک کالای سرمایه‌ای بوده و ذخایر نفتی به عنوان یک دارایی ملی می‌باشد و این دارایی هم به نسل فعلی و هم به نسل آتی تعلق دارد. بنابراین دولت‌ها نباید کل منابع نفتی را در هزینه‌های جاری مصرف کنند. نفت از مصادیق دارایی بین نسلی می‌باشد که نحوه مصرف آن به عدالت بین نسلی مرتبط می‌باشد (باباجانی و پیغه، ۱۳۹۴).

تحقیقات زیادی در زمینه حقوق بین دوره‌ای انجام شده است که یکی از آن تحقیقات مربوط به ارزیابی روند تحقق حقوق بین دوره‌ای حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن که توسط دکتر باباجانی و احمد پیغه انجام شده است که نتایج حاصل از آن به شرح ذیل می‌باشد.

در دوره عمل بودجه سنوات پس از انقلاب اسلامی ایران، با افزایش یک درصدی درآمدهای نفتی حدود ۲۳٪ آن صرف مخارج سرمایه‌ای از دیدگاه حسابداری شده است که رقم نسبتاً پایینی می‌باشد. افزون بر این، در طول دوره مورد بررسی، روند اختلاف بین منابع مالی و مصارف سرمایه‌ای دولت از دیدگاه حسابداری از محل منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) رو به افزایش بوده، که این موضوع بیانگر آن است که در این دوره سهم کمتری از عواید ناشی از فروش منابع نفت و گاز صرف مخارج سرمایه‌ای شده و بخش اعظم آن به مصرف مخارج جاری رسیده است که این امر در جهت عدم رعایت تخصیص و مصرف عواید ناشی از فروش منابع طبیعی (نفت و مشتقات آن) به مخارج سرمایه‌ای و در نتیجه، نشان دهنده تضییع حقوق بین دوره‌ای در این دوره زمانی می‌باشد.

با توجه به نتایج تحقیق فوق در این مقاله بدنبال آن هستیم که عوامل مؤثر بر عدم تحقق حقوق بین دوره‌ای عواید حاصل از فروش نفت و راه‌های برون رفت از آن را مورد بررسی قرار دهیم.

## ۲. حقوق بین نسلی و دیدگاه‌های کلی درباره آن

مسئله‌ای که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است موضوع عدالت بین نسلی است این موضوع با توجه به مشکلات بی‌رویه از منابع طبیعی دغدغه‌هایی برای گروه‌های مختلفی را ایجاد نمود است تا به موضوع حقوق آیندگان به صورت جدی تری بیندیشند.

این موضوع را اولین بار در سال ۱۹۷۴ جیمز توبین (اقتصاددان) تحت عنوان حفظ منافع آیندگان در مقابل دعاوی نسل حاضر تعریف کرده (کارگروه حقوق همبستگی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران؛ ۱۳۸۸). حق برابری نسل‌ها یک مفهوم ارزشی است که به منافع نسل‌های آینده توجه می‌کند (باباجانی و همکاران، ۱۳۹۴) در اسناد سیاسی و بین‌المللی این حق به صراحت مورد توجه قرار گرفته است و موضوع آن در اقتصاد بیشتر در ضمن اصطلاح توسعه پایدار بیان شده است. بنابر گزارش کمیته اقتصاد و تلفیق کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۶) امروزه مهمترین اصل توسعه پایدار، عدالت بین نسلی است، به این معنا که هر نسل حداقل می‌باید به اندازه‌ای که خود به منابع و ثروت‌های عمومی دسترسی داشته، به نسل بعد منتقل نماید. این مبنا در بهره‌برداری از عواید ناشی از فروش نفت و مشتقات آن نیز لازم است مورد توجه جدی قرار گیرد (باباجانی و همکاران، ۱۳۹۴).

در واقع توسعه پایدار بر پایه هوشیاری انسان نسبت به خودش و نسبت به منابع طبیعی کره زمین استوار است و خواهان یک سبک زندگی پایدار برای همه انسانها است و مخالف مصرف بیش از اندازه، اتلاف منابع و بی‌توجهی به نسل‌های آینده و قطع رابطه با گذشته است (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵).

یکی از بنیان‌های توسعه پایدار که عدالت بین نسلی را با عدالت درون نسلی تلفیق می‌کند مستلزم آن است که ساختار الگوهای درآمدی و توزیعی تغییر پیدا کند. بنابراین از نظر بعضی از صاحب‌نظران می‌توان آن را به عنوان پیش شرطی برای اتخاذ هر گونه استراتژی در ارتباط با توسعه پایدار دانست. واقعیت این است که بدون عدالت اجتماعی در بین نسل حاضر عدالت بین نسلی امکانپذیر نیست (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵). بسیاری معتقدند که عدالت بین نسلی در خصوص تکالیفی است که شهروندان به جوانان و نسل‌های متولد نشده مدیون‌اند (تامسون، ۲۰۰۹). مطابق نظر راولز عدالت بین نسل‌ها عبارتست از وظایفی که شهروندان به جانشینان خود مدیون‌اند (راولز، ۱۹۹۹).

قاعده عمومی راولز می‌گوید که بی‌عدالتی در تخصیص منابع مجاز نیست، مگر اینکه به سمت بهبود مطلوبیت فقیرترین فرد جامعه معطوف باشد.

سولو اشاره میکند که هر چند خود راولز هم از کاربردی بودن قاعده‌اش برای مسائل بین نسلی مطمئن نیست، ولی اگر معیار راولز را برای تحلیل مساله بین نسلی به کار بگیریم نتیجه کاملاً متفاوتی به دست می‌آید. اگر هر نسل را یک عامل در نظر بگیریم، این تابع می‌گوید که وضعیت فقیرترین نسل باید بهبود یابد. کاربرد قاعده راولز برای مسائل بین نسلی پیامد مهمی دارد. اگر رشد جمعیت و استهلاک سرمایه صفر

باشد هیچ نسلی نباید برای نسل بعد پس انداز کند. اگر رشد جمعیت صفر نباشد در این صورت موضوع کمی تغییر میکند و هر نسلی باید مقداری پس انداز کند که سرمایه سرانه برابری را به نسل بعدی تحویل دهد. این قاعده البته برای سیاستگذاری بین نسلی چندان جذاب نیست، چون به شدت به وضعیت اولیه بستگی دارد و اگر نسل اول یک جامعه فقیر باشند تمام نسل‌های بعدی هم باید در همان سطح زندگی کنند (باباجانی و همکاران، ۱۳۹۴). معرفی منابع پایانبذیر و امکان استخراج بیشتر آن برای جبران کمبود سرمایه در دوره‌های متقدم مساله قبلی را تغییر می‌دهد. هر چند سولو در مقاله‌اش قاعده بهینه ترکیب دو نوع تولید را پیشنهاد می‌کند، ولی اعتبار مساله برابری بین نسلی با معیار راولزی به هارتویک رسیده است. هارتویک (۱۹۷۷) ایده مصرف ثابت سولو را با فرض وجود هزینه تولید منابع پایانبذیر تعمیم داده است. او قاعده مشخصی را پیشنهاد می‌کند که به قاعده هارتویک برای پایداری مشهور شده است و می‌گوید که تمام عواید ناشی از منابع پایان پذیر را در بخش‌های غیر پایانبذیر (ماشین‌آلات و زیربناها و دارایی‌های مالی و غیره) سرمایه‌گذاری کنید و بقیه درآمدهای اقتصاد (از جمله تمام درآمد ناشی از سایر سرمایه‌ها) را مصرف کنید. به این ترتیب هم نسل فعلی از مواهب ناشی از سرمایه‌گذاری بهره‌مند می‌شود و هم اصل سرمایه مولد (بخش‌های غیرپایان پذیر) به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. نسل فعلی هم فقط عواید حاصل از منابع زیرزمینی را به نسل بعدی منتقل می‌کند و از درآمد ناشی از سایر دارایی‌ها چیزی را برای نسل بعدی پس انداز نمی‌کند. این پیشنهاد ساده به نوعی دو اصل زیر را تحت پوشش قرار می‌دهد:

اولاً: نسل فعلی رفاه خودش را به خاطر پس انداز برای نسل بعد کاهش نمی‌دهد، ولی

ثانیاً: از طرف دیگر هم سرمایه ناشی از منابع طبیعی را برای نسل‌های بعدی حفظ می‌کند (قدوسی، ۱۳۸۸). بر همین اساس عدم استفاده از عواید فروش نفت و مشتقات آن در بودجه جاری، و از اسناد بالا دستی سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد. به عنوان نمونه می‌توان به بند ۸ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هجری شمسی، ماده ۴۲ و ۵۱ سیاست کلی برنامه چهارم توسعه و ماده ۲۲، ۸۴ و ۸۵ سیاست کلی و قانون مربوط به برنامه پنجم توسعه اشاره نمود که همگی آنها با تغییر نگاه به نفت و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به منابع سرمایه‌ای و قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز و تبدیل درآمد نفت و گاز به دارایی‌های مولد به منظور پایداری فرآیند توسعه و بهره‌برداری از منابع می‌باشد.

لازم به ذکر است که موضوع فوق یکی از مباحث مشترک بین حسابداری و اقتصاد است، اما بین دیدگاه حاکم بر این دو حوزه در مورد مخارج سرمایه‌ای اختلاف نظر وجود دارد. از دیدگاه اقتصادی، افزون بر دارایی‌های ثابت و زیربنایی، مخارج مربوط به آموزش و بهداشت و درمان نیز مخارج سرمایه‌ای محسوب می‌شود. (باباجانی و پیفه، ۱۳۹۴).

لذا در مقاله حاضر با همین دیدگاه به عواملی مانند جمعیت، هزینه‌های بهداشت، آموزش، ناکارآمدی درآمدهای مالیاتی، تحریم، تورم، اندازه دولت به عنوان عواملی که می‌تواند به عنوان عوامل مؤثر بر عدم مصرف درآمدهای نفتی برای مصارف سرمایه‌ای و در نتیجه عدم تحقق بین نسلی را منجر شوند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## ۱.۲. جمعیت

اولین بررسی انجام شده در مورد مخارج دولت به آدلف واگنر (۱۹۱۷-۱۸۳۵) اقتصاددان سیاسی آلمان مربوط است. وی متوجه شد با فرایند صنعتی شدن سیستم اقتصادی و پیچیده شدن عملکرد عوامل تشکیل دهنده بازار، گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت در مناطق شهری، وجود قراردادهای و قوانین تجاری و در نتیجه تشکیلات اداری و قضایی برای رسیدگی و نظارت به موارد فوق ضرورت یافته است؛ بنابراین دخالت دولت در مسائل اقتصادی لازم است و همین امر موجب افزایش رشد هزینه‌های دولت شده است. در تحلیل فوق علت اصلی رشد مخارج دولت، تبدیل جامعه از حالت "سنتی" به "صنعتی" است. در این زمینه متغیرهایی مانند نیروهای کار استخدام شده در بخش صنعت، نسبت مشارکت زنان در بازار کار، رشد جمعیت و هرم سنی آن و درجه شهرنشینی، معیارهای ارزیابی قانون واگنر هستند.

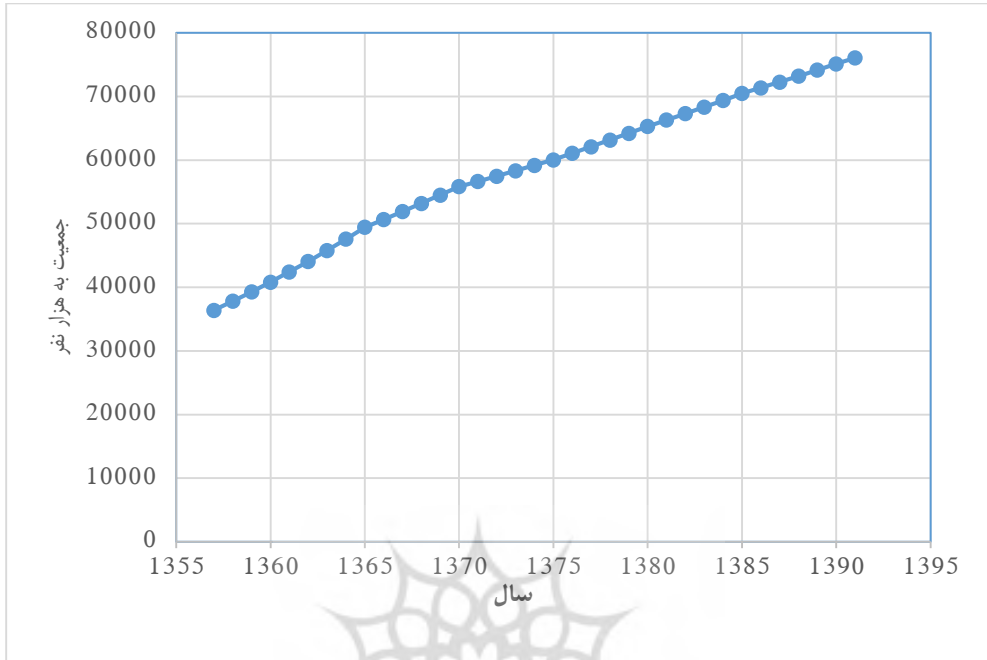
وربن (۱۹۹۰) با استفاده از الگوی نسل‌های همپوشان، به بررسی اثرگذار جمعیت بر نرخ مالیات و اندازه دولت پرداخته است. وی به این نتیجه رسیده است که در دوره‌هایی که جمعیت تغییر می‌کند درآمدها و بدهی‌های دولت به اندازه دولت نیز تغییر می‌کند. اشواریا (۱۹۹۵) با استفاده از یک الگوی رشد ساده به بررسی رابطه بین ساختار سنی جمعیت و مخارج دولت در حکومت‌های فدرال پرداخته است. نتایج وی نشان می‌دهد که با تغییر در ساختار سنی جمعیت، به دلیل تغییر در نیازهای جامعه و تقاضای کالا و خدمات، مخارج دولت نیز تغییر می‌کند.

همان‌طوری که در جدول شماره ۱ و نمودار ۱ مشخص می‌باشد جمعیت ایران نسبت به سال پایه (۱۳۵۷) رشد چشمگیر داشته، همچنین در نمودار شماره ۲ نسبت جمعیت فعال به جمعیت کل نیز ارائه گردیده است که نسبت پایینی است. تغییرات جمعیتی، چالش اصلی پایداری مالی است و در مطالعات جامع نیز به اثبات رسیده است (زارعی، ۱۳۹۶). عمده ترین کانال‌هایی که اثر تغییرات جمعیتی را بر بودجه دولت منتقل می‌کنند هزینه‌های سلامت و مراقبت‌های بلندمدت بهداشتی، هزینه‌های تأمین اجتماعی و آموزش هستند که باعث تغییر ترکیب بودجه دولت می‌شوند.

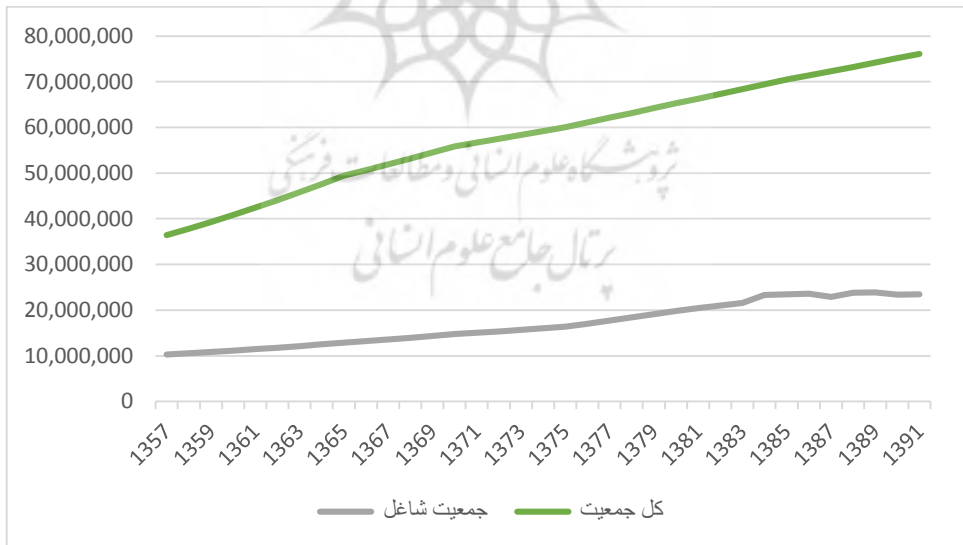
جدول ۱. جمعیت

1365	1364	1363	1362	1361	1360	1359	1358	1357	سال
49445	47587	45798	44077	42420	40826	39291	37814	36393	جمعیت (به هزار نفر)
0.36	0.31	0.26	0.21	0.17	0.12	0.08	0.04	0	درصد رشد
1374	1373	1372	1371	1370	1369	1368	1367	1366	سال
59187	58331	57488	56656	55837	54496	53187	51909	50662	جمعیت (به هزار نفر)
0.63	0.6	0.58	0.56	0.53	0.5	0.46	0.43	0.39	درصد رشد
1383	1382	1381	1380	1379	1378	1377	1376	1375	سال
68345	67315	66300	65301	64219	63152	62103	61070	60055	جمعیت (به هزار نفر)
0.88	0.85	0.82	0.79	0.76	0.74	0.71	0.68	0.65	درصد رشد
	1391	1390	1389	1388	1387	1386	1385	1384	سال
	76075	75150	74157	73196	72266	71366	70496	69390	جمعیت
	1.09	1.06	1.04	1.01	0.99	0.96	0.94	0.91	درصد رشد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۱. نمودار جمعیت



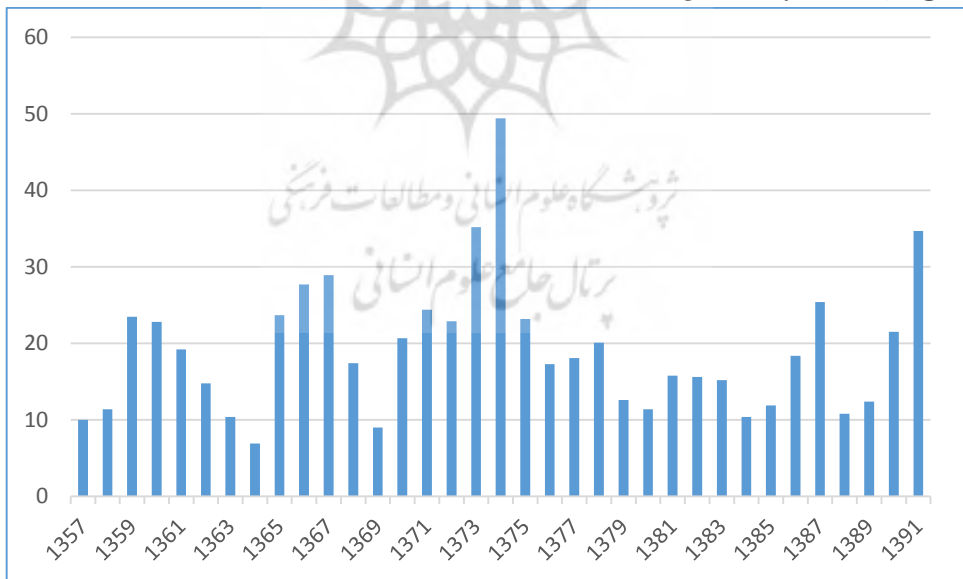
نمودار ۲. جمعیت شاغل به کل جمعیت



## ۲.۲. تورم

نحوه تأثیرگذاری و تعامل تورم و مخارج دولت بر یکدیگر از موضوعات مهمی است که در طول زمان توجه اقتصاددانان را به خود جلب کرده است. هزینه‌های دولت با توجه به وضعیت اقتصادی کشور تغییر می‌کند. با توجه به دیدگاه کینزی، دولت نیاز به صرف هزینه‌ها جهت حصول ثبات در اقتصاد، تحریک بهره‌وری و سرمایه‌گذاری دارد. همچنین دولت برای ایفای دو نقش اساسی دیگر، یعنی توزیع و تخصیص در کنار تثبیت، متحمل هزینه‌هایی می‌شود. اقتصاددانان نئوکلاسیک معتقدند با توجه به فرض اشتغال کامل، افزایش در هزینه‌های دولت، می‌تواند به تورم بالا منجر شود (اولینق بو، ۲۰۱۳). به‌طور کلی اجرای سیاست مالی در بسیاری از کشورها با مشکلات بسیاری مواجه است. مشکلات مربوط به جمع‌آوری مالیات، ضعف‌های نهادی، مشکلات مربوط به دسترسی به سرمایه‌های خارجی، انتشار پول برای تأمین مخارج عمومی که این خود باعث تورم می‌شود، از این دسته‌اند. بنابراین استفاده از سیاست مخارج دولتی علاوه بر اثرگذاری روی تولید، می‌تواند تورم‌زا باشد (قورقانتپولوس و تسامیس، ۲۰۱۰).

در نمودار شماره ۳ نرخ تورم در سال‌های مختلف نشان داده شده است. افزایش قیمت‌ها، افزایش هزینه‌های دولت را نیز بدنبال خواهد داشت و این موضوع باعث می‌شود که درآمدهای دولت بجای اینکه صرف مخارج سرمایه‌ای شود در بخش‌های جاری هزینه گردد.



نمودار ۳. نرخ تورم در سال‌های مختلف

## ۳،۲. تحریم

تحریم اقتصادی بیشتر جابگزین جنگ و اعمال قوه قهریه می‌شود. کشورهای مختلف از تحریم‌های محدود اقتصادی برای مقاصد سیاسی خود علیه کشورهای هدف استفاده می‌کنند، ولی این نوع تحریم عموماً کم اثر بوده است (عزتی و سلمانی، ۱۳۹۳). اثر تحریم‌ها در اقتصاد ایران می‌تواند گوناگون باشد. تعدادی از بررسی‌های علمی - تجربی در زمینه تحریم‌های ایران تلاش کرده‌اند برخی از این اثرها را بررسی و برآورد کنند. یآوری و محسنی (۱۳۸۸) در یک آماری تاریخی، تلاش کرده‌اند اثر تحریم‌های تجاری و مالی امریکا علیه اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۰ را بر صادرات نفتی و غیرنفتی ایران و همچنین بر واردات کالاهای سرمایه‌ای و تسهیلات ارزی ارزیابی کنند. در این بررسی به این نتیجه رسیده‌اند که تحریم‌ها صادرات غیرنفتی و واردات کالاهای سرمایه‌ای را کاهش داده، اما بر صادرات نفتی اثری نداشته است. همچنین به این نتیجه رسیده‌اند که تحریم‌های مالی اثر بیشتری بر اقتصاد گذاشته و نرخ‌های سود انتظاری وام دهندگان را بالاتر برده است. در این بررسی اثر تحریم‌های یادشده را با اندازه‌گیری اضافه رفاه مصرف‌کننده ایران، برابر 1/1 درصد تولید ناخالص داخلی سالانه کشور برآورد کرده‌اند.

تحریم‌ها صرف‌نظر از موفقیت در شکست در دستیابی به هدف نهایی، بر بخش‌های مختلف اقتصادی مانند تجارت، سرمایه‌گذاری، اشتغال و رشد اقتصادی تأثیرگذار هستند. تحریم‌ها با تأثیری که در عمده بخش‌ها می‌گذارند باعث می‌شوند تا به علت عدم دسترسی به بازهای جهانی درآمدهای دولت کاهش پیدا کند و همچنین برای وارد کردن نیازهای اساسی از جمله در نیازهای ضروری جاری و کالاهای اساسی سرمایه‌ای، بودجه بیشتری را مصرف نماید و از آنجائی که درآمد دولت در بخش‌های دیگر ضعیف می‌باشد. لذا برای جبران بخش‌های متضرر از درآمد نفتی برای مخارج جاری استفاده می‌نماید.

## ۴،۲. نا کارآمدی نظام مالیاتی

ناکارآمدی نظام مالیاتی کشور را می‌توان در چهار بخش مجزا بررسی نمود:

۱- قوانین و مقررات مالیاتی به عنوان مجوز وصول مالیات از مؤدیان توسط دولت رکن اساسی یک نظام مالیاتی محسوب می‌گردند، چراکه این قوانین و مقررات نه تنها دربردارنده سیاست‌های مالیاتی (از جمله نرخ و پایه مالیاتی) است حاوی فرایندهای کلی وصول مالیات نیز می‌باشند، بنابراین شاکله اصلی یک نظام مالیاتی در چارچوب قوانین مربوطه تعیین می‌گردد. از این رو می‌توان اذعان نمود که بهره‌مندی از یک نظام مالیاتی کارآمد در گرو بهره‌گیری از قوانین و مقررات مالیاتی کارا و اثربخش خواهد بود. به این دلیل همواره اصلاح قوانین و مقررات مالیاتی در راستای کارآمد ساختن و حفظ پویایی نظام مالیاتی مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی کشور قرار داشته است. با این وجود، بر اساس مطالعات صورت گرفته یکی از علل مهم نا کارآمدی نظام مالیاتی فعلی کشور وجود نقاط ضعف عدیده در قوانین و مقررات

مالیاتی می باشد که این نقاط ضعف را می توان در قالب موارد ذیل دسته بندی نمود (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۹۰).

- پیچیدگی و عدم جامعیت

- وجود معافیت‌های کلی، گسترده در عین ناکارآمدی

- ضعف در ضمانت‌های اجرایی

- محدودیت در پایه‌های مالیاتی

یکی دیگر از دلایل عمده ناکارآمدی نظام مالیاتی کشور، سازمان اجرایی است که از کارایی لازم برخوردار نیست. اهمیت دستگاه مالیات‌ستان از آنجایی دو چندان می‌گردد که عملکرد آن تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر تمکین مالیاتی و هزینه‌های وصول مالیات دارد. به عبارت دیگر، اصلاح سازمان مزبور می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در افزایش تمکین مالیاتی و کاهش هزینه‌های وصول مالیات ایفا نماید.

۲- از علل ناکارآمدی سازمان اجرایی مالیات‌ستانی یا همان سازمان امور مالیاتی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۹۰).

- ضعف در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و به تبع آن عدم به کارگیری گسترده از فناوری اطلاعات در انجام امور

- عدم وجود و بهره‌مندی از پایگاه جامع اطلاعات مؤدیان

- عدم ارتباط اطلاعاتی و آماری میان تشکیلات اجرایی

- ساختار تشکیلات اجرایی گسترده مبتنی بر الگوی پیمانهای

- فرایندهای ناکارآمد اخذ مالیاتی

۳- یکی دیگر از موارد ناکارآمدی نظام مالیاتی خصوص تمکین مالیاتی نشان از وضعیت نامطلوب آن به ویژه تمکین داوطلبانه آحاد مردم کشور نسبت به نظام مالیاتی دارد که ریشه آن علاوه بر نواقص موجود در رکن دیگر تا حدود بسیاری در فرهنگ جامعه نهفته است، بنابراین می‌توان عوامل ذیل را در تمکین نامناسب آحاد جامعه نسبت به نظام مالیاتی به ویژه تمکین داوطلبانه مؤدیان مؤثر دانست (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۹۰).

- فرهنگ عمومی نامناسب در ارتباط با پرداخت مالیات

- ضعف در اطلاع‌رسانی مناسب در خصوص چگونگی هزینه کردن درآمدهای مالیاتی طی سال‌های متمادی و عدم توجه به اهمیت آن در تغییر نگرش جامعه

- پیچیدگی محاسباتی و عدم درک افراد از چگونگی تعیین مالیات متعلق به آنها

- احساس وجود تبعیض مالیاتی به مفهوم برخورد متفاوت مالیاتی میان مؤدیان همسان

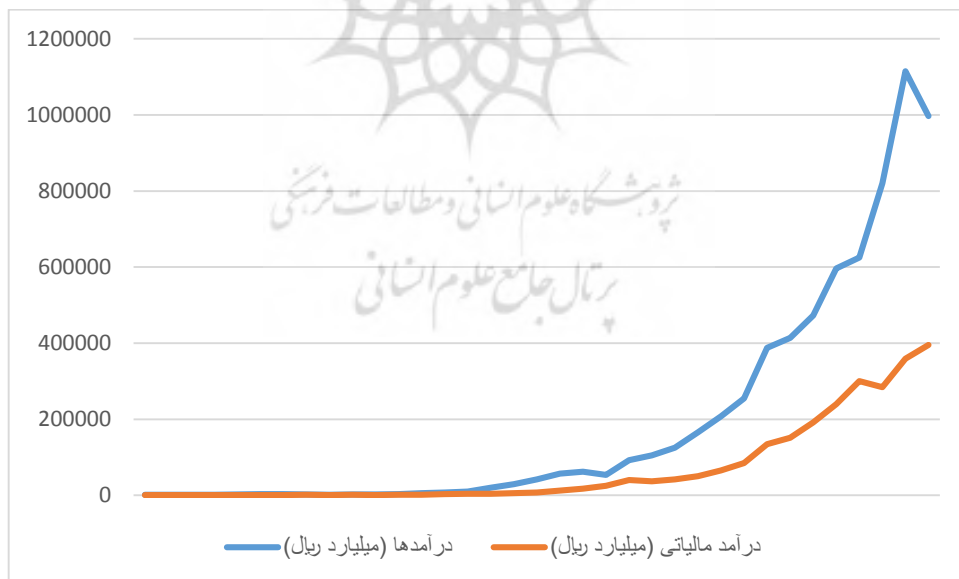
- شفافیت اطلاعاتی پایین در خصوص فعالان اقتصادی کشور

۴- از مشکلات اجرایی در نظام مالیاتی کشور، بالا بودن هزینه وصول مالیات می‌باشد. هزینه وصول مالیات نشان می‌دهد که در ازای وصول هر ریال درآمد مالیاتی چه میزان هزینه انجام می‌شود. همان‌طوریکه در جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۴ مشخص می‌باشد نسبت درآمدهای مالیاتی نسبت درآمدهای کل بسیار ناچیز است و این موضوع یکی از اساسی‌ترین مشکل مربوط به درآمد دولت‌ها می‌باشد که به دلیل ضعف‌ها و مشکلات موجود که اشاره گردید، وجود دارد و دولت‌ها مجبورند به دلیل وجود تحریم‌ها و نبود درآمد در سایر بخش‌ها و رشد چشمگیر جمعیت، برای مخارج جاری از درآمدهای نفتی استفاده کنند.

جدول ۲. نسبت درآمد مالیاتی به کل درآمدها

سال	درآمدها (میلیارد ریال)	درآمد نفت (میلیارد ریال)	سایر درآمدها (میلیارد ریال)	درآمد مالیاتی (میلیارد ریال)	نسبت درآمد مالیاتی به کل درآمدها
1357	1598.9	1013.2	119.8	465.9	0.29
1358	1699.6	1219.7	111.6	368.3	0.22
1359	1325.9	888.8	96.7	340.4	0.26
1360	1770.1	1056.4	159.6	554.1	0.31
1361	2501.9	1689.5	198.5	613.9	0.25
1362	2773.7	1779.4	197.8	796.5	0.29
1363	2714.8	1407.7	408.4	898.7	0.33
1364	2666.2	1208.6	423.9	1033.7	0.39
1365	1707.3	434.7	248	1024.6	0.6
1366	2171.5	853.2	288.1	1030.2	0.47
1367	2085.4	809.3	289.6	986.5	0.47
1368	3174.6	1515.1	471.7	1187.8	0.37
1369	5632.5	3375.1	562.4	1695	0.3
1370	6933.5	3549.4	618.9	2765.2	0.4
1371	9884.5	5145.9	963.1	3775.5	0.38
1372	20250.7	14683.2	1506.2	4061.3	0.2
1373	29244.5	21479.7	2274	5490.8	0.19
1374	41575.4	29431.2	4831.2	7313	0.18
1375	57121.9	38153	6408.7	12560.2	0.22
1376	62378.1	36446.7	8586.8	17344.6	0.28
1377	53626	22530	6214.4	24881.6	0.46

سال	درآمدها (میلیارد ریال)	درآمد نفت (میلیارد ریال)	سایر درآمدها (میلیارد ریال)	درآمد مالیاتی (میلیارد ریال)	نسبت درآمد مالیاتی به کل درآمدها
1378	92315.7	44170.4	7879.6	40265.7	0.44
1379	104641	59448.5	8607.1	36585.2	0.35
1380	125480	71957.1	11736.3	41786.1	0.33
1381	165157	102626	11943.8	50586.5	0.31
1382	207868	128154	14614.6	65099	0.31
1383	255000	150413	20165.9	84421.1	0.33
1384	387669	186342	66752.6	134574	0.35
1385	413928	181881	80425.9	151621	0.37
1386	472995	173519	107661	191815	0.41
1387	595975	215650	140584	239741	0.4
1388	625159	157818	167306	300036	0.48
1389	820068	434486	101055	284528	0.35
1390	1114379	568277	186651	359452	0.32
1391	996725	425527	176031	395167	0.4



نمودار ۴. نمودار مقایسه بین درآمد مالیاتی و کل درآمد

## ۵.۲. آموزش عمومی

شواهد تجربی زیادی وجود دارد که بر اهمیت آموزش در اقتصاد دلالت می‌کند. آموزش نه تنها از جنبه توسعه انسانی، بهبود وضعیت بهداشت و وضعیت بازار کار؛ بلکه از جنبه عملکرد اقتصادی کشورها نیز بر آنها مؤثر است. وقتی که اقتصاد وارد مرحله دانش محوری می‌شود، آموزش و سرمایه انسانی نقش حساسی را در رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایفا می‌کند؛ از این جهت که باعث رشد و توسعه سریع این کشورها می‌شود (آل عمران و آل عمران، ۱۳۹۳). علت این امر این است که هزینه‌های زیاد دولت روی آموزش، اغلب روی درآمد دوره‌های زندگی افراد و رشد توسعه اقتصادی (کالومب و همکاران، ۲۰۰۴) و کاهش فقر (راوالیون و چن، ۱۹۹۷) مؤثر است.

افزایش نقش آموزش در پویایی حیات اجتماعی، ضرورت توجه به کارکردهای اقتصادی و تجزیه و تحلیل هزینه-فایده آن را برای دولت و مردم مضاعف کرده است. تغییرات شگرف و رقابتی کشورهای جهان در دستیابی هرچه سریعتر به توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی و تأثیر این تحولات باعث شد توجه به نقش و کارکردهای آموزش عمومی و عالی از توجه بیشتری برخوردار شود. کشورهای درحال توسعه بایستی به نظام آموزشی خود توجه بیشتری نمایند و بودجه بیشتری به این امر اختصاص دهند تا به توسعه در زمان مناسب نائل شوند. اغلب نظریه پردازان نظریه توسعه انسانی بر این عقیده اند که آموزش گام نخست در برنامه‌ریزی توسعه نیروی انسانی است. پایه و اساس توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشوری را نیروی انسانی ماهر و متخصص تشکیل می‌دهد. بنابراین یکی از محورهای اصلی رشد و توسعه اقتصادی، آموزش و پرورش است. تکامل این بخش باعث تکامل در سایر بخش‌ها می‌شود. آموزش و پرورش با بهره‌گرفتن از هوش و استعداد افراد انسانی، زمینه را برای رشد و توسعه کشور فراهم می‌کند.

نیل به اهداف توسعه هزاره، نیازمند توجه جدی به کارایی و اثربخشی هزینه‌های دولت در دو بخش آموزش و بهداشت خواهد بود. بررسی وضعیت آموزش و سلامت از منظر اقتصاد کلان نشان می‌دهد که رشد سرمایه انسانی، دوره بازگشت سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و در نهایت، سرمایه‌گذاری کل اقتصاد را افزایش خواهد داد؛ چرا که سال‌های بهره‌برداری از این منبع را بیشتر کرده و تعداد سالهایی که سرمایه‌گذاری بازده مثبت دارد را افزایش می‌دهد. با افزایش امید به زندگی، پس انداز و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تشویق شده و گام بلندی در بهبود شرایط اقتصادی کشور برداشته می‌شود (آل عمران و آل عمران، ۱۳۹۳).

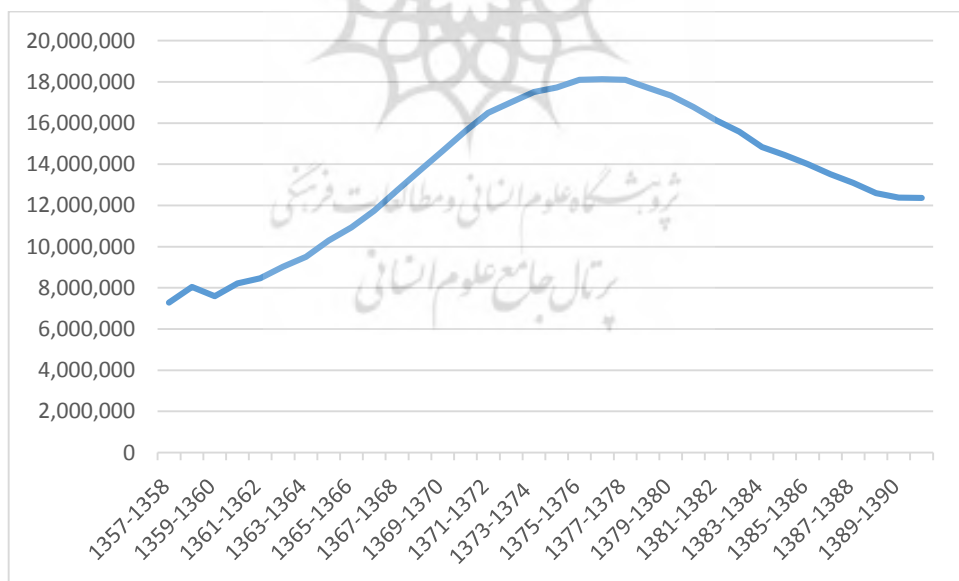
در جدول ۳ و نمودار ۵ نسبت دانش آموزان به کل جمعیت مشخص گردیده است که با توجه به اینکه در قانون کشورمان آموزش برای عموم رایگان است لذا دولت‌ها می‌بایستی بخش عمده‌ای از درآمدها را در قسمت آموزش سرمایه‌گذاری نماید و از آنجائی که کشور در شرایط تحریم و ناکارآمدی نظام مالیاتی،

وابستگی شدید به درآمدهای نفتی دارد لذا ناچاراً می‌بایستی از درآمدهای نفتی در این بخش با توجه به ضروریات که ذکر شد صرف شود.

جدول ۳. نسبت دانش آموزان به کل جمعیت

سال	جمعیت دانش آموزان	کل جمعیت	نسبت
۱۳۵۷-۱۳۵۸	۷,۲۷۷,۲۹۱	36,393,000	0.2
۱۳۵۸-۱۳۵۹	۸,۰۴۸,۹۳۰	37,814,000	0.21
۱۳۵۹-۱۳۶۰	۷,۵۸۹,۰۵۶	39,291,000	0.19
۱۳۶۰-۱۳۶۱	۸,۲۱۵,۶۷۳	40,826,000	0.2
۱۳۶۱-۱۳۶۲	۸,۴۶۳,۸۷۳	42,420,000	0.2
۱۳۶۲-۱۳۶۳	۹,۰۳۰,۱۴۳	44,077,000	0.2
۱۳۶۳-۱۳۶۴	۹,۵۱۱,۲۵۷	45,798,000	0.21
۱۳۶۴-۱۳۶۵	۱۰,۲۹۵,۱۰۶	47,587,000	0.22
۱۳۶۵-۱۳۶۶	۱۰,۹۳۳,۷۸۸	49,445,000	0.22
۱۳۶۶-۱۳۶۷	۱۱,۷۴۷,۲۹۳	50,662,000	0.23
۱۳۶۷-۱۳۶۸	۱۲,۷۳۸,۰۴۳	51,909,000	0.25
۱۳۶۸-۱۳۶۹	۱۳,۷۰۳,۰۸۶	53,187,000	0.26
۱۳۶۹-۱۳۷۰	۱۴,۶۴۹,۲۸۶	54,496,000	0.27
۱۳۷۰-۱۳۷۱	۱۵,۶۱۲,۶۷۰	55,837,000	0.28
۱۳۷۱-۱۳۷۲	۱۶,۴۹۴,۰۵۵	56,656,000	0.29
۱۳۷۲-۱۳۷۳	۱۷,۰۱۹,۷۸۶	57,488,000	0.3
۱۳۷۳-۱۳۷۴	۱۷,۵۱۸,۹۴۷	58,331,000	0.3
۱۳۷۴-۱۳۷۵	۱۷,۷۲۶,۹۵۵	59,187,000	0.3
۱۳۷۵-۱۳۷۶	۱۸,۱۰۲,۰۲۱	60,055,000	0.3
۱۳۷۶-۱۳۷۷	۱۸,۱۳۰,۰۹۵	61,070,000	0.3
۱۳۷۷-۱۳۷۸	۱۸,۱۰۱,۸۷۹	62,103,000	0.29
۱۳۷۸-۱۳۷۹	۱۷,۷۲۰,۱۸۵	63,152,000	0.28
۱۳۷۹-۱۳۸۰	۱۷,۳۴۶,۲۷۸	64,219,000	0.27

نسبت	کل جمعیت	جمعیت دانش آموزان	سال
0.26	65,301,000	۱۶,۷۸۱,۱۲۱	۱۳۸۱-۱۳۸۰
0.24	66,300,000	۱۶,۱۲۶,۷۰۵	۱۳۸۲-۱۳۸۱
0.23	67,315,000	۱۵,۵۸۳,۰۳۱	۱۳۸۳-۱۳۸۲
0.22	68,345,000	۱۴,۸۴۲,۸۱۹	۱۳۸۴-۱۳۸۳
0.21	69,390,000	۱۴,۴۵۶,۰۹۶	۱۳۸۵-۱۳۸۴
0.2	70,496,000	۱۴,۰۱۵,۳۹۱	۱۳۸۶-۱۳۸۵
0.19	71,366,000	۱۳,۵۱۴,۹۶۷	۱۳۸۷-۱۳۸۶
0.18	72,266,000	۱۳,۰۹۸,۶۳۷	۱۳۸۸-۱۳۸۷
0.17	73,196,000	۱۲,۵۹۵,۹۱۵	۱۳۸۹-۱۳۸۸
0.17	74,157,000	۱۲,۳۸۱,۰۲۶	۱۳۹۰-۱۳۸۹
0.16	75,150,000	۱۲,۳۶۲,۶۴۹	۱۳۹۱-۱۳۹۰



نمودار ۵. جمعیت دانش آموزان از سال ۱۳۵۷ لغایت ۱۳۹۱



## ۲,۶. وضعیت بهداشت

اهمیت بهداشت به عنوان یک حق اساسی برای زندگی هرکس پوشیده نیست. بهداشت در واقع نوعی توانمندی است که به زندگی انسان ارزش می‌بخشد. به عبارتی، سلامتی ثروت است. در حقیقت خصوصیات کیفی انسان نوعی سرمایه محسوب می‌شود. زیرا این خصوصیات می‌تواند موجب بهره‌وری و تولید بیشتر و ایجاد درآمد و رفاه بیشتر گردد.

میکل گروسمن (۱۹۷۲) که برای اولین بار سرمایه سلامت را در توابع مطلوبیت و تولید وارد کرد عقیده داشت که "وضعیت سلامتی انسان به صورت یک ذخیره در نظر گرفته می‌شود و لذا سلامت کالای سرمایه‌ای است که عمر سالم برای فرد تولید می‌کند، بنابراین می‌توان آن را در تابع مطلوبیت و تولید وارد کرد (امین رشتی و اصغری، ۱۳۹۰).

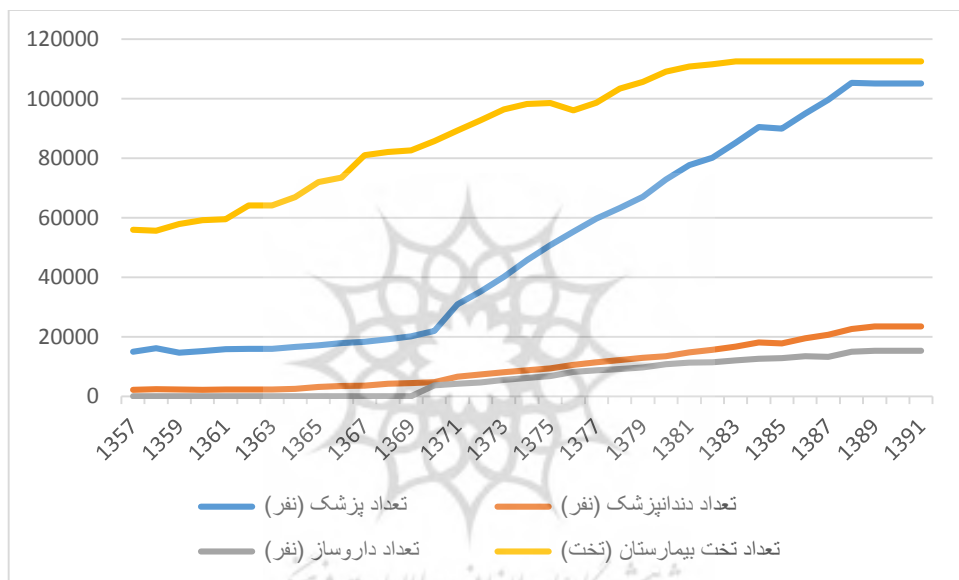
بخش بهداشت و درمان برای تأمین و ارتقای سطح سلامت جسمی، روانی و اجتماعی جامعه، در چارچوب سیاست‌ها و خط‌مشی‌های تعیین شده، دربرگیرنده مجموعه‌ای نظام یافته از فعالیت‌ها و عملیات اجرایی در زمینه‌های مختلف پزشکی است. توجه نکردن به عدالت در تأمین مالی هزینه‌ها، می‌تواند آثار نامناسبی در پی داشته باشد که بعضی از آنها عبارت‌اند از:

- خانوارها سهم ناعادلانه‌ای را (با توجه به توان پرداخت) در این بخش هزینه خواهند کرد،
- سهم خانوارهایی که هزینه‌های کمرشکن بر آنها تحمیل می‌شود افزایش می‌یابد،
- با افزایش خانوارهای یادشده، نابرابری در توزیع درآمد افزایش خواهد یافت،
- در نهایت گروه دیگری از خانوارها به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه‌های سلامتی به زیرخط فقر سقوط خواهند کرد و در تله فقر گرفتار خواهند آمد.

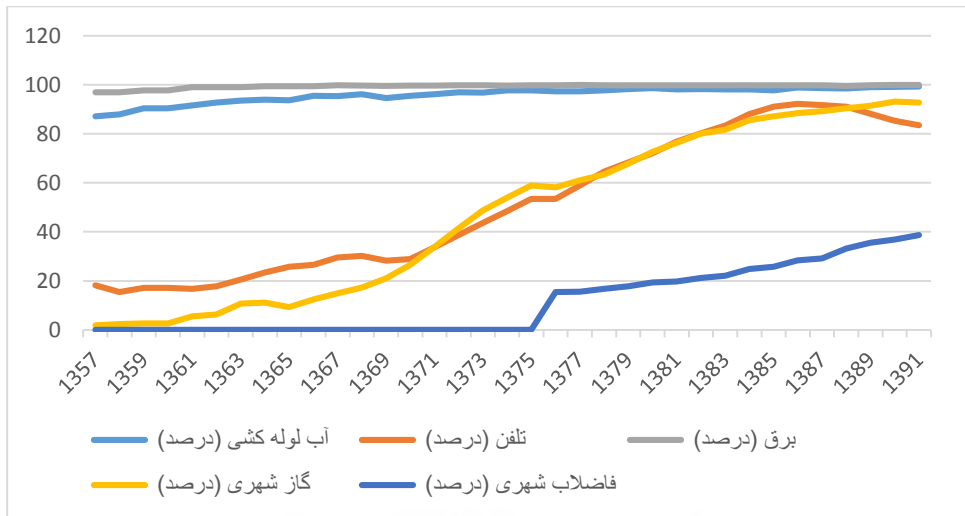
در بخش بهداشت و درمان دو مقوله اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد. نخست، بهداشت به معنای پیشگیری از بروز بیماری‌ها و دیگری درمان به معنای متوقف کردن پیشرفت بیماری. به‌طور کلی بخش بهداشت و درمان چهار حیطه را پوشش می‌دهد. اولین حیطه بحث تولید دولت است که وزارت بهداشت و درمان این وظیفه را بر عهده دارد. دوم تأمین منابع مالی و سوم، چگونگی جمع‌آوری منابع، تجمیع و مدیریت منابع و خرید خدمات است. مورد چهارم سرمایه‌گذاری در راستای آموزش منابع انسانی ماهر و متخصص در گروه بهداشتی و پزشکی و سرمایه‌گذاری در پژوهش، ساختمان، تجهیزات، تدارک دارو و ملزومات پزشکی و به‌طور کلی تولید منابع فیزیکی است.

ماهیت بهداشت و درمان، خدمتی عمومی است و بخش خصوصی رغبت چندانی برای صرف هزینه و انجام سرمایه‌گذاری در آن را ندارد. از اینرو تقریباً تمامی دولت‌ها در سرمایه‌گذاری و تأمین یارانه در این بخش مسئولیت دارند. بنابراین دخالت، نظارت و کمک دولت در این عرصه برای تمامی کشورها امری

قابل قبول و پذیرفته شده است. از سوی دیگر به علت آنکه عرضه خدمات بهداشتی و درمانی با مشکلاتی مواجه است، دخالت دولت در این بخش، امری حیاتی به نظر می‌رسد. اقتصاد در بخش بهداشت و درمان به تحلیل و بهره‌وری بهینه از منابع محدود و کمیاب و ارزیابی دقیق آنها برای استفاده مطلوب در راستای تأمین، حفظ و ارتقای سلامت انسان‌ها و حفاظت از محیط زیست می‌پردازد. هدف اصلی در این بخش توزیع عادلانه منابع و استفاده از منابع موجود در جهت تحقق سلامت برای تمام افراد جامعه است (جنایی، ۱۳۸۴).



نمودار ۵. شاخص‌های بهداشت



### نمودار ۶. امکانات اجتماعی

در نمودار ۵ و ۶ که شاخص‌های امکانات اجتماعی و شاخص‌های بهداشت ارائه گردیده است، مشخص کننده رشد آنها می‌باشد و دولت‌ها برای رسیدن به وضعیت مطلوب باید در این بخش‌ها که جزء ضروریاتی که اشاره گردید و اجتناب ناپذیر می‌باشد. می‌بایستی دخالت نموده و از آنجائی که درآمد کشور متکی به درآمد نفت می‌باشد برای این بخش نیز باید از محل درآمدهای نفتی هزینه گردد.

### ۷.۲. اندازه و حجم دولت

حکومت‌ها برای رفاه تحقق اهداف خود به توسعه و رشد سازمان‌های دولتی دامن زدند و این امر موجب شده تا انتقاد شدت پیدا کند که چرا دولت‌ها باید بزرگ شوند و منابع کمیاب جامعه را مصرف کنند. بزرگی مقیاس دولت ضایعه‌ای بود که بودجه دولتی را افزایش می‌داد و جامعه را دچار مشکلات اساسی می‌کرد (الوانی، ۱۳۸۴).

آقای حسین ملک در مقاله‌ای تحت عنوان محاسبه اندازه بهینه دولت در اقتصاد ایران با بازه زمانی ۱۳۵۷ لغایت ۱۳۹۱ به این نتیجه رسیده‌اند که بالا بودن میانگین هزینه‌های مصرفی در اقتصاد ناشی از گسترده بودن هزینه‌های مصرفی دولت و شرکت‌های دولتی است. اندازه بخش عمومی به دلیل افزایش چشمگیر هزینه‌های جاری شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت طی سال‌ها بزرگ‌تر شده است.

### ۳. نتیجه‌گیری و راهکار برون رفت

با توجه به ماهیت نفتی اقتصاد کشور و وابستگی شدید اقتصاد به نفت، استفاده بهینه از منابع طبیعی و فروش آن به عنوان یک موضوع چالش برانگیز در کشورهای نفت خیز از جمله ایران مطرح است. لذا در این مقاله با توجه به پژوهش‌های انجام شده و نتیجه‌گیری آنها مبنی بر اینکه طی سال‌های بعد از انقلاب عمده فروش نفت صرف مخارج سرمایه‌ای گردیده است، بدنبال آن بودیم تا عوامل این موضوع را مشخص نموده و در نهایت راهکارهای برون رفت از آن را مشخص نمائیم.

دولت‌ها موظف هستند در کنار برقراری نظم و امنیت، شرایط اقتصادی را به گونه‌ای ایجاد نمایند که نتیجه آن افزایش درآمد و سطح رفاه جامعه باشد. لذا مهمترین تصمیمات اقتصادی دولت ایجاد شغل، افزایش تولید، درآمد کشور و کنترل قیمت‌ها است. درآمد دولت‌ها معمولاً به‌طور عمده از محل مالیات، درآمدهای نفتی، صادرات کالاهای غیرنفتی و فروش و واگذاری اموال مازاد دولت می‌باشد. در شرایط تحریم دولت‌ها باید علاوه بر بالابردن سطح رفاه جامعه فعلی رفاه نسل‌های بعدی را نیز به خط نندازند. لذا برای رسیدن به این منظور و با توجه به عوامل تأثیرگذار بر حقوق بین نسلی و راه‌های برون رفت از آنها به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. در شرایط تحریم، دولت برای ایجاد درآمد می‌تواند با ایجاد یک نظام مالیاتی کارا که از طریق برطرف کردن ضعف‌های موجود و اصلاح قوانین مالیاتی، گسترش پایه‌های مالیاتی، حذف برخی از معافیت‌های بی اساس، ایجاد فرهنگ مالیاتی و شفاف‌سازی در گزارشگری مالی بخش عمومی و مشخص شدن محل مصرف بودجه برای عموم و از طریق جلب اعتماد عمومی، اقدام نماید تا کشور از وابستگی به درآمدهای نفتی خارج شود.

۲. در شرایط تحریم و در شرایط تنگنای مالی و ارزی افزایش واردات می‌تواند بستر ساز تشدید التهابات ارزی باشد و نهایتاً منجر به افزایش تورم و افزایش قیمت‌ها می‌شود. در شرایط عادی و پایدار، صادرات کشور به اندازه‌ای است که نیازهای ارزی جامعه را به‌طور کامل پوشش دهد؛ اما در شرایط تحریمی وضعیت بسیار متفاوت خواهد بود. بنابراین باید این اصل مهم و حیاتی را چراغ راه خود قرار داد که کالاهای اساسی و راهبردی مبتنی بر منابع و توانمندی داخلی باشد. از سوی دیگر وابستگی بیش از حد صنایع و نگاه‌های داخلی به فناوری و تکنولوژی خارجی باید از طریق گسترش واحدهای تحقیق و توسعه و ارتباط میان دانشگاه و صنعت بر طرف گردد. در این بخش دولت می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر توسعه اقتصاد دانش بنیان به توسعه اقتصاد کشور و کاهش وابستگی به تولیدات خارجی کمک نماید.

۳. یکی از اقدامات که دولت‌ها می‌توانند در شرایط تحریم انجام دهند توسعه فضای کسب و کار است دولت باید با برداشتن موانع کسب و کار و اجرایی کردن قانون بهبود کسب و کار و کاستن مجوزهای دولتی

می‌تواند بخش خصوصی و تولید را فعال نماید تا از این طریق هم تبعات تحریم‌ها را کاسته و هم با ایجاد اشتغال سطح رفاه عمومی جامعه را افزایش داده و هم اینکه درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد.

۴. دولت می‌تواند از طریق کنترل قیمت‌ها و برقراری انضباط مالی و سیاست‌های پولی و مالی و همچنین کاهش هزینه‌ها تورم را کنترل نماید.

۵. از طریق واگذاری انجام امور دولت به بخش‌های دیگر و برون سپاری و عقد قرارداد با بخش خصوصی از دامنه فعالیت‌های دولت کاسته شود تا از این طریق از افزایش مخارج دولت جلوگیری شود.

۶. فعال‌تر کردن صندوق ذخیره ارزی و اجبار دولت‌ها برای واریز تمامی عایدات نفت به این صندوق و برداشت آن فقط برای سرمایه‌گذاری‌های که دارای طرح‌های توجیهی اقتصادی کارشناسی شده باشد و همچنین گزارشی مبنی بر رعایت حقوق نسل‌ها از طریق دوره عایدات حاصل از این طرح‌ها و گزارش آن به عموم مردم داده شود.

## منابع

- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۴). تنگناهای مدیریت دولتی نوین. پیک نور، ۱۱.
- اسدی، الهه؛ بزازان، فاطمه؛ موسوی، میرحسین. (۱۳۹۵). عدم حتمیت میزان اثبات شده نفت و رشد اقتصادی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۵(۱۹)، ۱۳۱-۱۵۳.
- امین رشتی، نارسیس؛ اصغری، لیلا. (۱۳۹۰). بررسی نقش هزینه‌های سلامت بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، سال پنجم، شماره شانزدهم.
- آل عمران، رویا؛ آل عمران، سید علی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مخارج دولت در آموزش بر نرخ ثبت نام در مقاطع آموزشی مختلف (رهیافت پنل دیتا). دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۶، ۱۱-۲۹.
- باباجانی جعفر؛ پیفه، احمد. (۱۳۹۴). ارزیابی روند تحقق بین دوره‌ای حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن از دیدگاه حسابداری. مجله دانش حسابداری، ۶(۲۰)، ۷-۳۷.
- باباجانی، جعفر؛ پیفه، احمد؛ تقوی فرد، محمدتقی. (۱۳۹۴). ارزیابی روند حقوق بین نسلی حاکم بر مصرف عواید حاصل از فروش نفت و مشتقات آن از دیدگاه اقتصادی. دانش حسابرسی، ۱۴(۵۸)، ۵-۲۸.
- بنتام و راولز. عدالتی و بهینگی در استخراج منابع پایان پذیر. حامد قدوسی، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۰۴۲، ۲۷/۱۲/۱۳۸۸.
- جنایی، افشین. (۱۳۸۴). بررسی عملکرد هزینه‌ها و سیاست‌های بودجه‌ای دولت در بخش بهداشت و درمان. مجله اقتصادی، ۵(۵۲-۵۱)، ۵-۲۶.

- دشتیان فاروجی، سحر؛ دشتیان فاروجی، مجید. (۱۳۹۶). اثر ساختار سنی جمعیت بر روی مخارج تأمین اجتماعی دولت: روش الگوی داده‌های ترکیبی با تواتر متفاوت (میداس). فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۲(۷۲)، ۱۲۷-۱۵۰.
- زاهدی، شمس السادات؛ نجفی، غلامعلی. (۱۳۸۵). بسط مفهومی توسعه پایدار. پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۱۰(۴)، ۴۳-۷۶.
- عزیزنژاد، صمد؛ سیدنورانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۶۱، ۱۶۵-۲۱۰.
- عزتی، مرتضی؛ سلمانی، یونس. (۱۳۹۳). بررسی آثار مستقیم و غیر مستقیم تحریم‌ها در رشد اقتصاد ایران با تأکید بر بخش خارجی اقتصاد. فصلنامه آفاق امنیت، ۷(۲۵)، ۱۴۹-۱۷۵.
- کارگروه حقوق همبستگی. (۱۳۸۸). آشنایی با حقوق همبستگی (برابری نسل‌ها یا عدالت بین نسلی)، ۶. ملک، حسین. (۱۳۹۳). محاسبه اندازه بهینه دولت در اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۵۷. فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، ۱۳، ۴۹-۸۸.
- یاوری، کاظم؛ محسنی، رضا. (۱۳۸۸). آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۶۱، ۹-۵۴.
- وزارت امور اقتصاد و دارایی، سازمان امور مالیاتی کشور. (۱۳۹۰). برنامه تحول نظام مالیاتی کشور.
- Coulombe, S., Tremblay, J. F. & Marchand, S. (2004). Literacy Scores, Human Capital and Growth Across Fourteen OECD Countries.
- Echevarria, C. A. (1995). On age distribution of population government expenditure and fiscal federalism. *Journal of Population Economics*, 8(3), 301-313.
- Georgantopoulos, A. & Tsamis, A. (2010). The Interrelationship between Money Supply, Prices and Government Expenditures and Economic Growth: A Causality Analysis for the Case of Cyprus. *International Journal of Economic Sciences and Applied Research*.
- Grossman, M. (1972). On the Concept of Health Capital and The Demand for health. *The Journal of Political Economy*, 80(2).
- Hartwick, J.M. (1977). Intergenerational Equity and the Investing of Rents from Exhaustible Resources. *The American Economic Review*, 67, 972-974.
- Olayungbo, David Oluseun. (2013). Government Spending and Inflation in Nigeria: An Asymmetry Causality Test.
- Ravallion, M. & Chen, S. (1997). What Can New Survey Data Tell Us. About Recent Changes in Distribution and Poverty? *World Bank Economic Review*, 11(2), 357-382.

- Rawls, J. (1999). *A Theory of Justice*, REVISED end Bellnap, Cambridge.
- Solow, Rm. (1974). Intergenerational equity and Exhaustible Resources. *The Riview of Economic studies*, 41, 29-45.
- Thomson, J. (2009). Intergenerational justice: Rights and Responsibilities in an Intergenerational polity. *Routledge*, 5(3), 115-128.
- Varbon, H.A.A. (1990). Transfers to the old, government debt and demographic change. *Journal of Population Economic Review*, 33(2-3), 377-38.

